

## مقدمه ۵:

فرق بین مسئله اجتماع امر و نهی و مسئله نهی در عبادات:

مرحوم آخوند در این باره می نویسد:

«الفرق بین هذه المسألة ومسألة النهی فی العبادة، هو أن الجهة المبحوث عنها فیها التي بها تمتاز المسائل، هي أن تعدد الوجه والعنوان فی الواحد یوجب تعدد متعلق الأمر والنهی، بحيث یرتفع به غائلة استحالة الاجتماع فی الواحد بوجه واحد، أو لا یوجب، بل یكون حاله، فالنزاع فی سرایة کلّ من الأمر والنهی إلى متعلق الآخر، لاتحاد متعلقیهما وجوداً، وعدم سرایته لتعددیهما وجهاً، وهذا بخلاف الجهة المبحوث عنها فی المسألة الأخری، فإن البحث فیها فی أن النهی فی العبادة [أو المعاملة] یوجب فسادها، بعد الفراغ عن التوجه إليها. نعم لو قیل بالامتناع مع ترجیح جانب النهی فی مسألة الاجتماع، یكون مثل الصلاة فی الدار المغصوبة من صغریات تلك المسألة.»<sup>۱</sup>

توضیح:

۱. در بحث نهی در عبادات [و اینکه آیا مقتضی فساد است یا نه؟] غرض که باعث می شود هر مسئله با مسئله دیگر فرق کند، با غرض این مسأله فرق دارد.
۲. در بحث اجتماع امر و نهی، غرض و جهت بحث آن است که بگوئیم آیا تعدد عنوان (در نماز در دار غصبی) موجب می شود که آنچه متعلق امر است با آنچه متعلق نهی است، متفاوت و متعدد شوند (و در نتیجه اجتماع محال نباشد) و یا موجب نمی شود؟
۳. [غائلة استحالة ... : اگر یک شیء از جهت واحدی (مثلاً صلوة از جهت اینکه صلوة است) هم مورد امر قرار گیرد و هم مورد نهی، این محال است]
۴. پس بحث در مانحن فیه در آن است که وقتی متعلق امر و متعلق نهی، به یک وجود، موجود شده اند، آیا امر به متعلق نهی هم سرایت می کند و نهی هم به متعلق امر سرایت می کند؟ (تا امتناعی شویم) و یا سرایت نمی کند چرا که متعلق ها، مختلف هستند و مصداق خارجی دارای جهات متعدد است. (تا اجتماعی شویم)

<sup>۱</sup>. کفایة الاصول، ص ۱۵۱



۵. [لتعددہما وجہاً؛ چون هر یک از متعلق‌ها، وجه و جهت مختلفی دارند ولذا امر و نہی از یک متعلق به متعلق دیگر منتقل نمی‌شود]

۶. اما در بحث نہی در عبادات ( و معاملات) بحث اصلاً در دو جهت نیست بلکه همان جہتی کہ مامور بہ است، منہی عنہ است و اصلاً بحث در این است کہ آیا نہی دال بر فساد است.

۷. پس اگر اجتماعی شدیم (قائل بہ جواز اجتماع)، چون امر بہ یک جهت می‌خورد و نہی بہ یک جهت دیگر، اصلاً مورد اجتماع امر و نہی، از مصادیق نہی در عبادات نیست؟

۸. ولی اگر امتناعی شدیم (یعنی دو جهت ویژگی ندارد و لذا همان کہ مورد امر است مورد نہی است): در این صورت:

۹. اگر امر را ترجیح دادیم، نہی در کار نخواهد بود ولی اگر نہی را ترجیح دادیم، بحث از صغریات نہی در عبادات می‌شود.

ما می‌گوییم:

توجه شود کہ آنچه در لسان اصولیون مطرح است، «فارق بین اجتماع امر و نہی و نہی در عبادات» است. و بحث را با «نہی در معاملات» اصلاً فرق نگذاشته‌اند. چرا کہ عبادات بہ معنی الاخص، محتاج امر هستند. و لذا در بحث نہی در عبادات ہم امر و ہم نہی حاصل است ولی در نہی در معاملات، جمع بین امر و نہی مطرح نیست.

